

خوشخبری

علاء عبد نوالك المسبح



خوشخبری

قصه عید تولد مسیح
در زبان دری و انگلیسی

۲۰۰۰

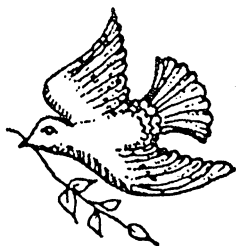


فرشته خوش خبری می آورد

لوقا باب اول:

زمانیکه هیروдіس پادشاه یهودیه بود. خدا یکی از فرشته‌های خود را که جبرائیل نام دارد به یکی از شهرهای گلیلی بنام ناصره فرستاد. او نزد دختر باکره بنام مریم رفت. مریم نامزاد یوسف از اولاده حضرت داود بود. فرشته پیش او آمده گفت: "سلام علیکم! ای کسیکه مورد لطف هستی، خداوند به همراه تو است و بالایت فضل کرده است."

مریم از این سخنان فرشته حیران شده فکر میکرد که معنی این سلام چیست.



An Angel Brings the Good News

Gospel of Luke 1

In the days when Herod was king of Judea, God sent the angel Gabriel to a town in Galilee named Nazareth. He had a message for a girl promised in marriage to a man named Joseph who was a descendant of King David. The girl's name was Mary. The angel came to her and said: "Greetings, you who are highly favoured! The Lord is with you, and has greatly blessed you!"

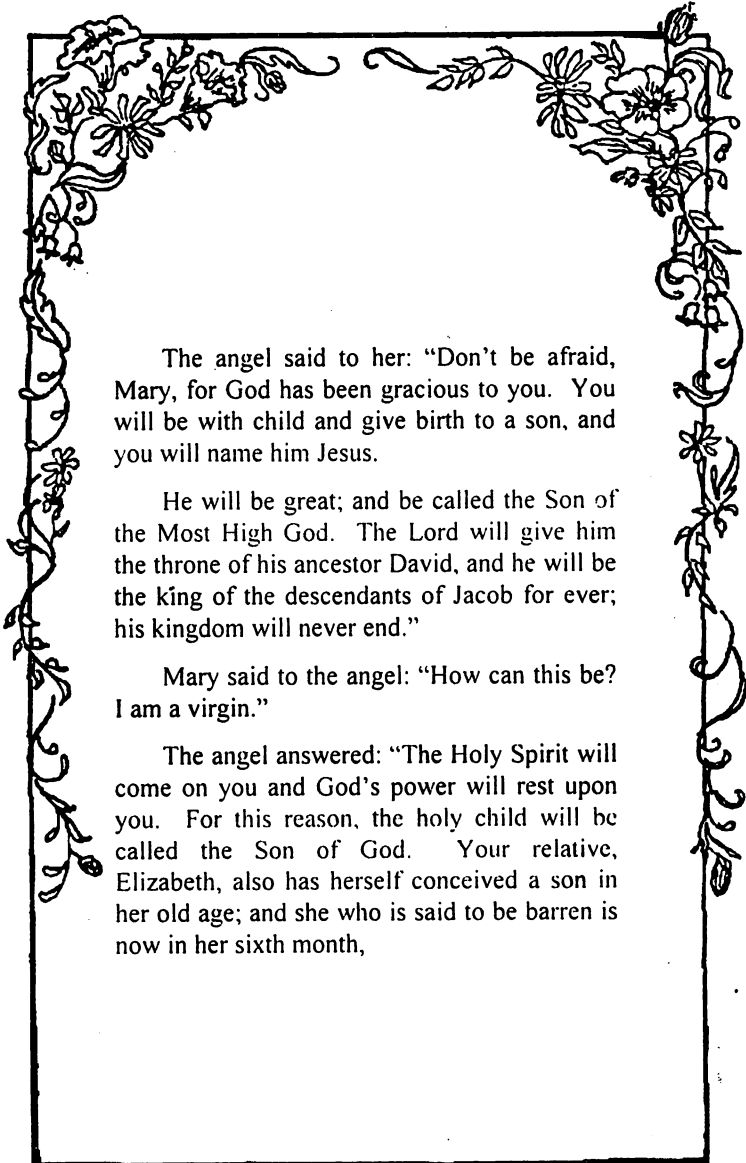
Mary was deeply troubled by the angel's message and she wondered what his words meant.

فرشته به او گفت: «ای مریم تترس. چرا
که خداوند بر تو فضل کرده و تو حامله خواهی
شد، پسری بدنیا خواهی آورد و او را عیسی
خواهی نامید.

او بزرگ میشود و بنام پسر خدای متعال
یاد خواهد شد و خدا که خداوند ماست تخت
پادشاهی جدش داود را به او خواهد داد و او
تا ابد بر خاندان یعقوب حکمرانی خواهد کرد
و پادشاهی او هرگز پایانی نخواهد داشت.

مریم به فرشته گفت: «این کار چطور ممکن
است؟ در حالیکه من با هیچ مردی رابطه
نداشته‌ام.»

فرشته در جواب او گفت: «روح القدس بر
تو خواهد آمد و قدرت خداوند تعالی بالایت سایه
خواهد انداخت. از این سبب این طفل مقدسی
که بدنیا آورده میشود، بنام پسر خدا نامیده
خواهد شد. الیزابت هم که خویشاوند تو
میباشد در وقت پیری حامله‌دار شده و پسری
بدنیا می‌آورد حالا شش ماه از حاملگی او می‌گذرد



The angel said to her: "Don't be afraid, Mary, for God has been gracious to you. You will be with child and give birth to a son, and you will name him Jesus.

He will be great; and be called the Son of the Most High God. The Lord will give him the throne of his ancestor David, and he will be the king of the descendants of Jacob for ever; his kingdom will never end."

Mary said to the angel: "How can this be? I am a virgin."

The angel answered: "The Holy Spirit will come on you and God's power will rest upon you. For this reason, the holy child will be called the Son of God. Your relative, Elizabeth, also has herself conceived a son in her old age; and she who is said to be barren is now in her sixth month,

در حالیکه او را نازا میگفتند. زیرا
برای خدا هیچ چیز محال نیست.

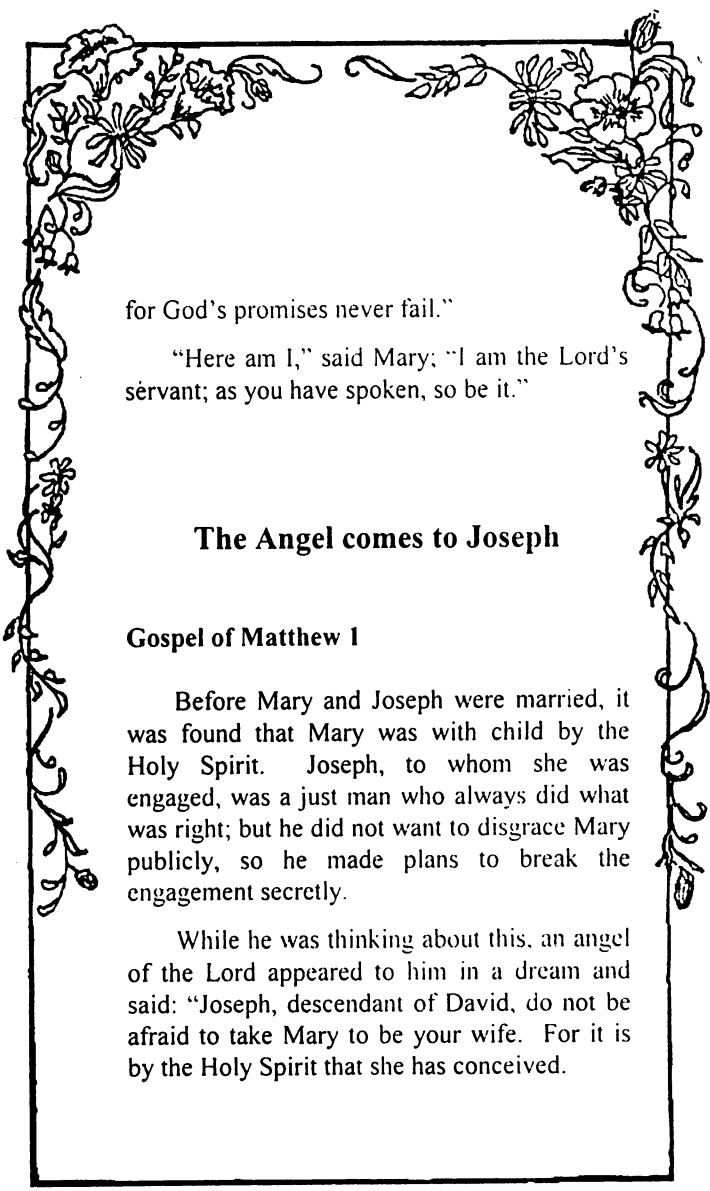
مریم گفت: "من بنده خداوند هستم و این
چیزها را که گفتید مرا از جان و دل قبول
است."

فرشته پیش یوسف میآید

متی باب اول:

پیش ازینکه مریم و یوسف باهم عروسی
کنند فهییده شد که مریم بواسطه روح القدس
حامله شده است. نامزدش یوسف يك مرد نیکو
و راستکار بود نیخواست که مریم را در بین
مردم رسوا کند. ازین سبب در نزد خود
تصمیم گرفت که مخفیانه از مریم جدا شود.

وقتیکه او درین فکر بود فرشته خدا در
خوابش ظاهر شده گفت: "ای یوسف! اولاده
داود، از بردن مریم به خانهات ترس، زیرا آنچه
در رحم اوست از روح القدس است. او پسری

A decorative border of black line art flowers and vines surrounds the text. The border is thicker at the corners and tapers towards the center.

for God's promises never fail."

"Here am I," said Mary; "I am the Lord's servant; as you have spoken, so be it."

The Angel comes to Joseph

Gospel of Matthew 1

Before Mary and Joseph were married, it was found that Mary was with child by the Holy Spirit. Joseph, to whom she was engaged, was a just man who always did what was right; but he did not want to disgrace Mary publicly, so he made plans to break the engagement secretly.

While he was thinking about this, an angel of the Lord appeared to him in a dream and said: "Joseph, descendant of David, do not be afraid to take Mary to be your wife. For it is by the Holy Spirit that she has conceived.

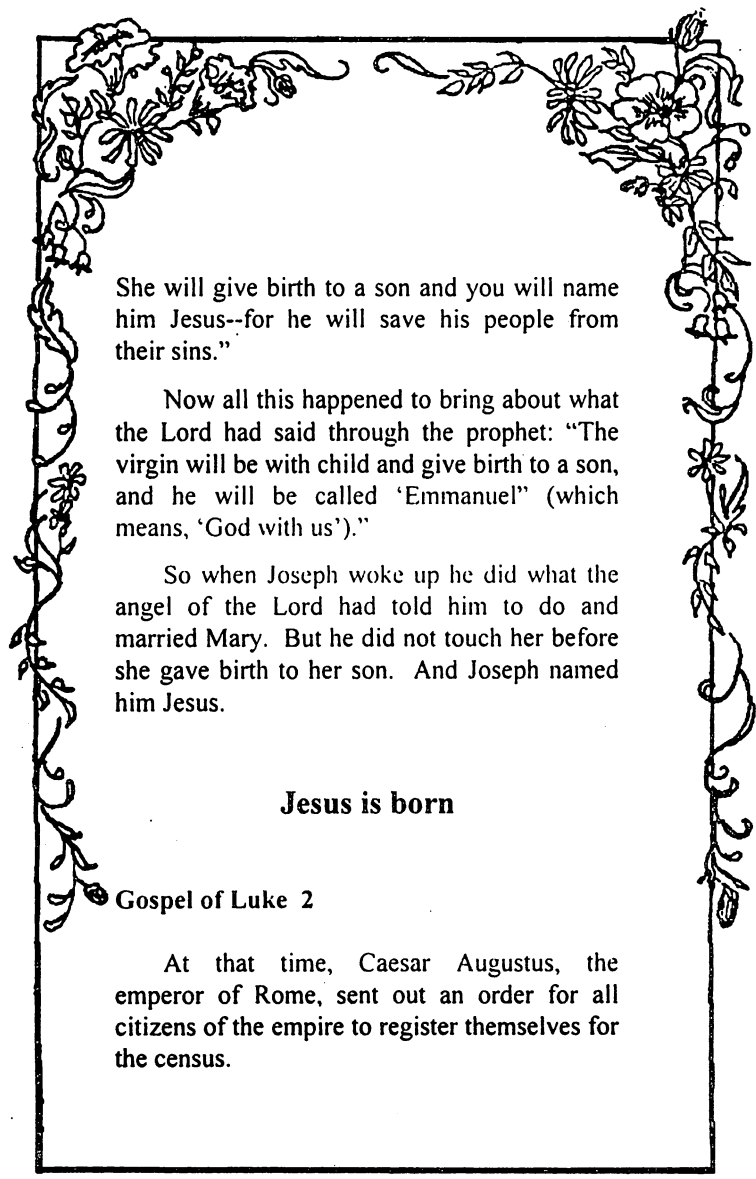
بدنیا میآورد و تو او را عیسی خواهی
نامید، زیرا که او ملت خود را از گناهان شان
نجات میدهد.

همه این چیزها واقع شد تا آن سخنانیکه از
طرف خدا توسط پیغمبر اعلام شده بود تکمیل
شود که: دختر باکره حامله شده، از او یک
پسری بدنیا خواهد آمد، نام پسر "عمانونیل"
خواهد بود که معنی نامش "خدا با ما" میباشد.
یوسف از خواب بیدار شد و امر فرشته
خدا را بجا آورد و مریم را عروسی کرد، لکن
تا زمانیکه طفل بدنیا نیامد یوسف با او همبستر
نشد. و یوسف نام طفل را عیسی نهاد.

عیسی را به دنیا می آورد

لوقا باب دوم:

در آن وقت از طرف "اوگوستس قیصر" که
پادشاه روم بود یک فرمان صادر شد که تمام
مردم سلطنت را سرشماری کنند و این اولین



She will give birth to a son and you will name him Jesus--for he will save his people from their sins."

Now all this happened to bring about what the Lord had said through the prophet: "The virgin will be with child and give birth to a son, and he will be called 'Emmanuel' (which means, 'God with us')."

So when Joseph woke up he did what the angel of the Lord had told him to do and married Mary. But he did not touch her before she gave birth to her son. And Joseph named him Jesus.

Jesus is born

Gospel of Luke 2

At that time, Caesar Augustus, the emperor of Rome, sent out an order for all citizens of the empire to register themselves for the census.

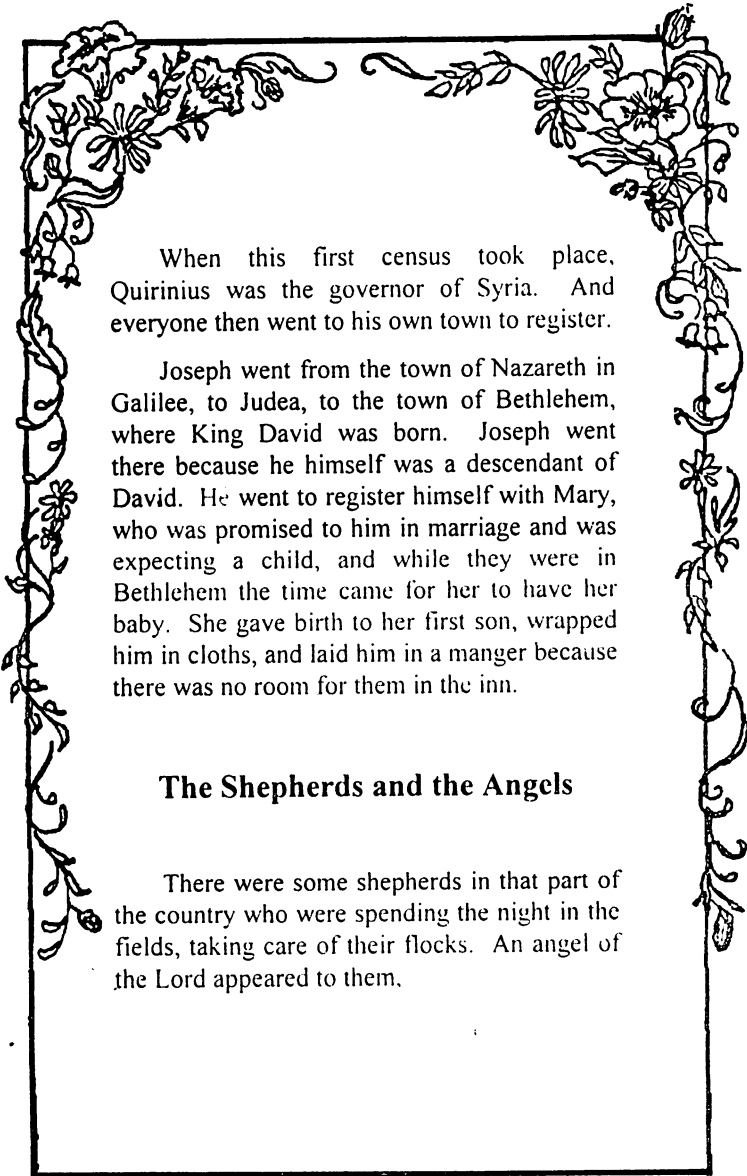
سرشماری بود که در وقت "کیرینیوس"

که والی سوریه بود اجرا میشد، ازین سبب همه مردم برای نام نویسی به شهر اصلی خود می‌رفتند.

یوسف هم از ناصره گلیلی به بیت‌الحم یهودیه که شهر داود بود رفت چرا که از اولاده داود پیغمبر بود. یوسف همراهی مریم که در آن وقت در عقد او و حامله بود آنجا رفتند تا نام نویسی شوند. آنها هنگامیکه در آنجا اقامت داشتند وقت تولد طفل فرا رسید و مریم اولین پسر خود را بدنیا آورد و او را در غن‌داق پیچانده در آخور خواباند، چرا که در مسافرخانه جانی برای آنان نبود.

چوپانان و فرشتگان

در اطراف آنجا چوپانان شبانه رمه‌های خود را در صحرا نگاه میکردند، که دفعتاً فرشته خدا



When this first census took place, Quirinius was the governor of Syria. And everyone then went to his own town to register.

Joseph went from the town of Nazareth in Galilee, to Judea, to the town of Bethlehem, where King David was born. Joseph went there because he himself was a descendant of David. He went to register himself with Mary, who was promised to him in marriage and was expecting a child, and while they were in Bethlehem the time came for her to have her baby. She gave birth to her first son, wrapped him in cloths, and laid him in a manger because there was no room for them in the inn.

The Shepherds and the Angels

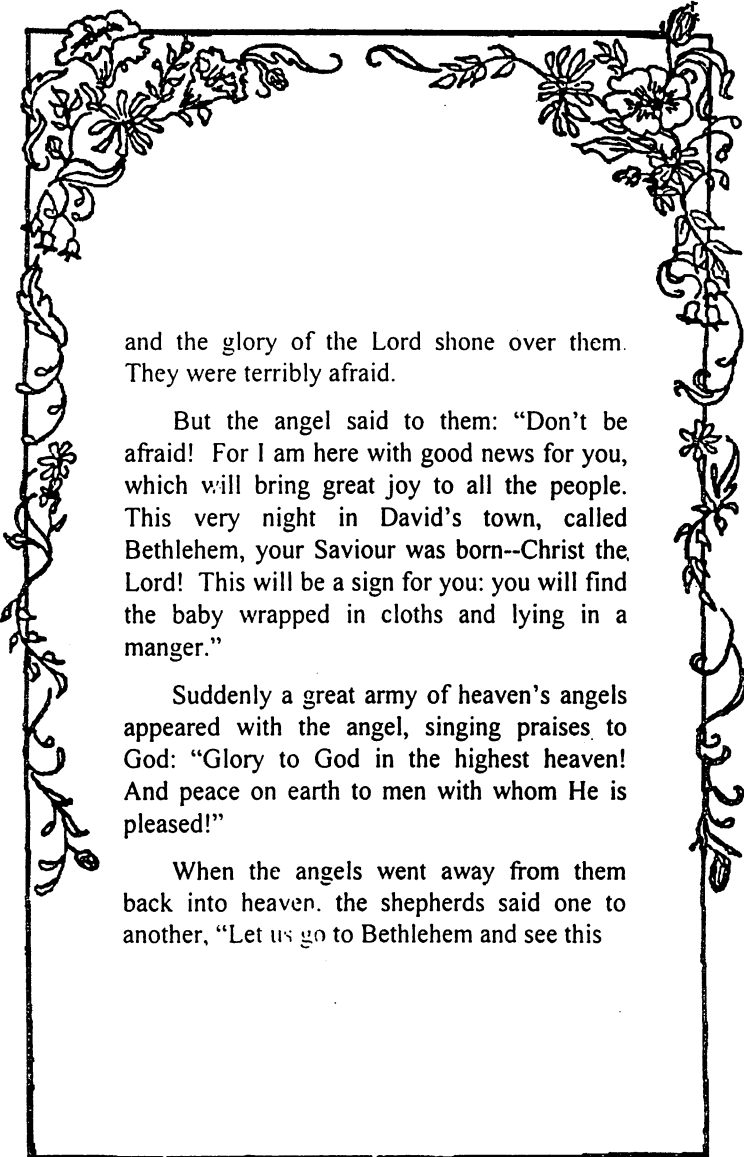
There were some shepherds in that part of the country who were spending the night in the fields, taking care of their flocks. An angel of the Lord appeared to them.

پیشروی‌شان ایستاده شد و نور خداوند
بالای شان می‌درخشید. چوپانان بی‌اندازه
ترسیدند.

فرشته به ایشان گفت: "ترسید چرا که من
به شما يك خوش خبری می‌دهم. و این خوش
خبری برای همه ملت است که امروز در شهر
داود که "بیت‌الحم" نام دارد نجات دهند. برای
شما به دنیا آمده است که مسیح و خداوند
است. و نشانی آن برای شما اینست که همین
طفل را در غن‌داق پیچیده و در آخور خوابیده
در بیت‌الحم پیدا کرده می‌توانید."

دفعه‌ای همراهی آن فرشته يك تعداد زیاد از
لشکر آسمانی پیدا شده، که خدا را با حمد و ثنا
می‌سرانیدند و می‌گفتند که: "در عرش به خدا
جلال و به روی زمین به مردمیکه خدا از ایشان
خوش است صلح و سلامتی باد."

و قتیکه فرشته‌ها چوپانان را ترك کرده به
آسمان رفتند، چوپانان به یکدیگر خود گفتند:
حالا بی‌آنکه که ببیت‌الحم برویم و این چیزهائی که



and the glory of the Lord shone over them.
They were terribly afraid.

But the angel said to them: "Don't be afraid! For I am here with good news for you, which will bring great joy to all the people. This very night in David's town, called Bethlehem, your Saviour was born--Christ the Lord! This will be a sign for you: you will find the baby wrapped in cloths and lying in a manger."

Suddenly a great army of heaven's angels appeared with the angel, singing praises to God: "Glory to God in the highest heaven! And peace on earth to men with whom He is pleased!"

When the angels went away from them back into heaven, the shepherds said one to another, "Let us go to Bethlehem and see this

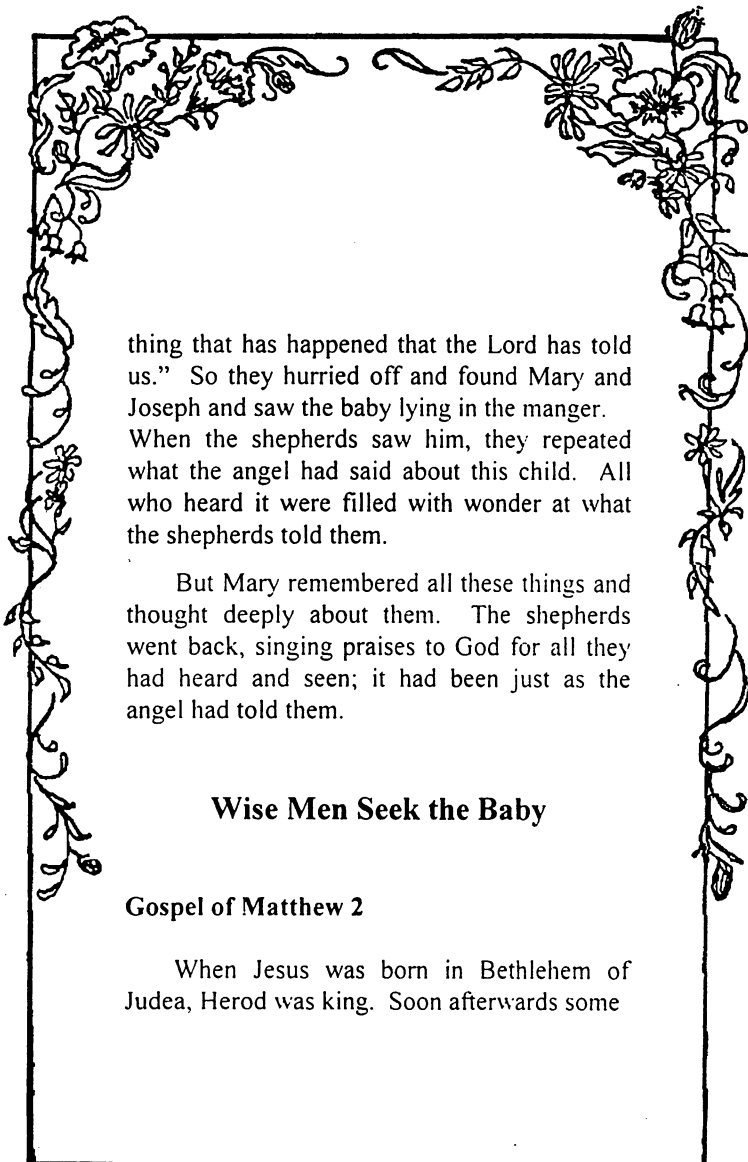
واقع شده و خدا آنرا بما خبر داده بینیم." باز به عجله رفتند و آنجا یوسف و مریم را دیدند و طفل را به آخور خوابیده یافتند. بعد از آنکه او را دیدند آن سخنانی را که راجع به طفل به ایشان گفته شده بود بشارت دادند و کسانی که سخنان چوپانان را می شنیدند حیران می ماندند.

لاکن مریم تماما این چیزها را به خاطر می سپرد و در باره آنها عمیقاً فکر میکرد. وقتی که چوپانان چیزهای گفته شده را به چشم سر دیدند، خدا را حمد و ثنا گفته پسر گشتند.

ستاره شناسان طفل را جستجو میکنند

متی باب دوم:

عیسی در بیت‌الحم یهودیه در ایام زمامداری
هیروдіس پادشاه به دنیا آمد، در همان وقت

A decorative border of black line art flowers and vines surrounds the text. The flowers are stylized with multiple petals, and the vines are swirling and leafy.

thing that has happened that the Lord has told us." So they hurried off and found Mary and Joseph and saw the baby lying in the manger. When the shepherds saw him, they repeated what the angel had said about this child. All who heard it were filled with wonder at what the shepherds told them.

But Mary remembered all these things and thought deeply about them. The shepherds went back, singing praises to God for all they had heard and seen; it had been just as the angel had told them.

Wise Men Seek the Baby

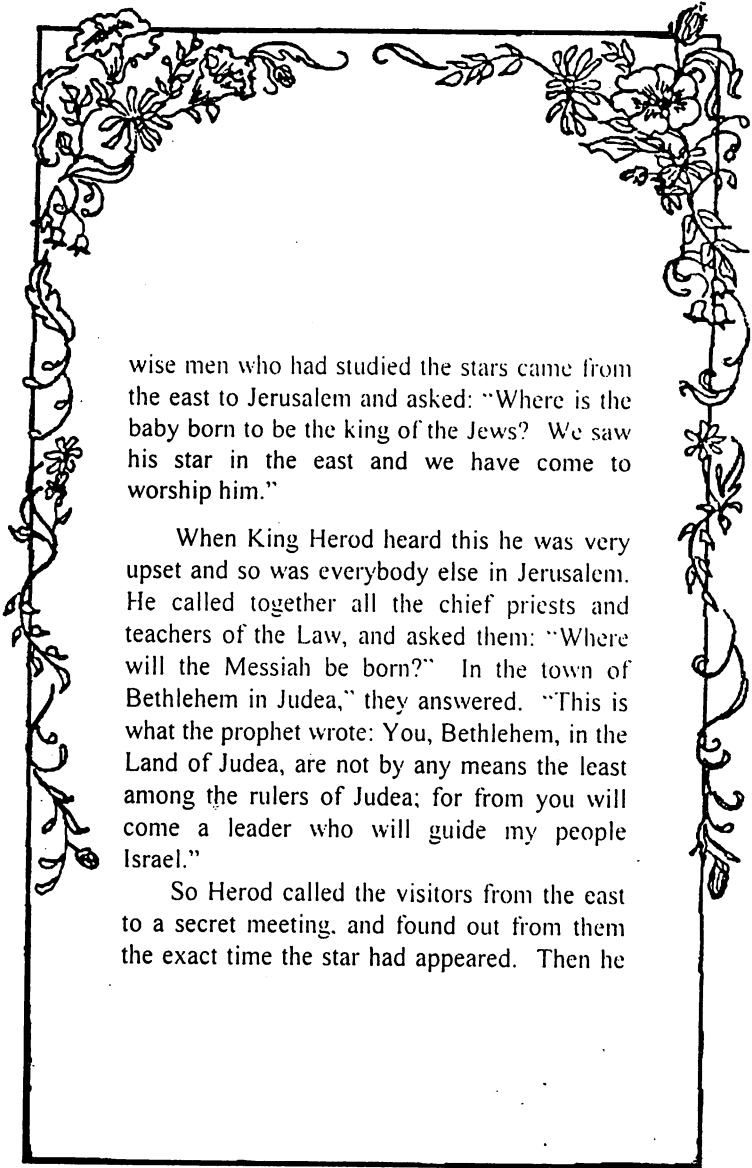
Gospel of Matthew 2

When Jesus was born in Bethlehem of Judea, Herod was king. Soon afterwards some

چند نفر ستاره‌شناسان از طرف شرق به اورشلیم آمدند و پرسیدند که: "کجاست آن طفل نوزاد که بدنیا آمده تا پادشاه یهودیان شود؟ ما ستاره او را در شرق دیده‌ایم و حالا آمده‌ایم که او را پرستش کنیم."

وقتیکه هیرودیس این سخنان را شنید، او و تمام مردم اورشلیم بسیار متاثر گردیدند. و به تشویش افتادند. هیرودیس کاهنان بزرگ و مفسرین را یکجا پیش خود خواست و از ایشان پرسید: "که مسیح در کجا تولد خواهد شده باشد؟" آنها جواب دادند که: "در شهر بیت‌الحم یهودیه، زیرا که در کتاب پیغمبر چنین نوشته شده‌است که: تو ای بیت‌الحم در ملک یهودیه، به هیچ صورت کمتر از دیگر شهرهای یهودیه نیستی، چرا که از تو رهنمای بوجود خواهد آمد تا بر قوم من یعنی اسرائیل حکومت کند."

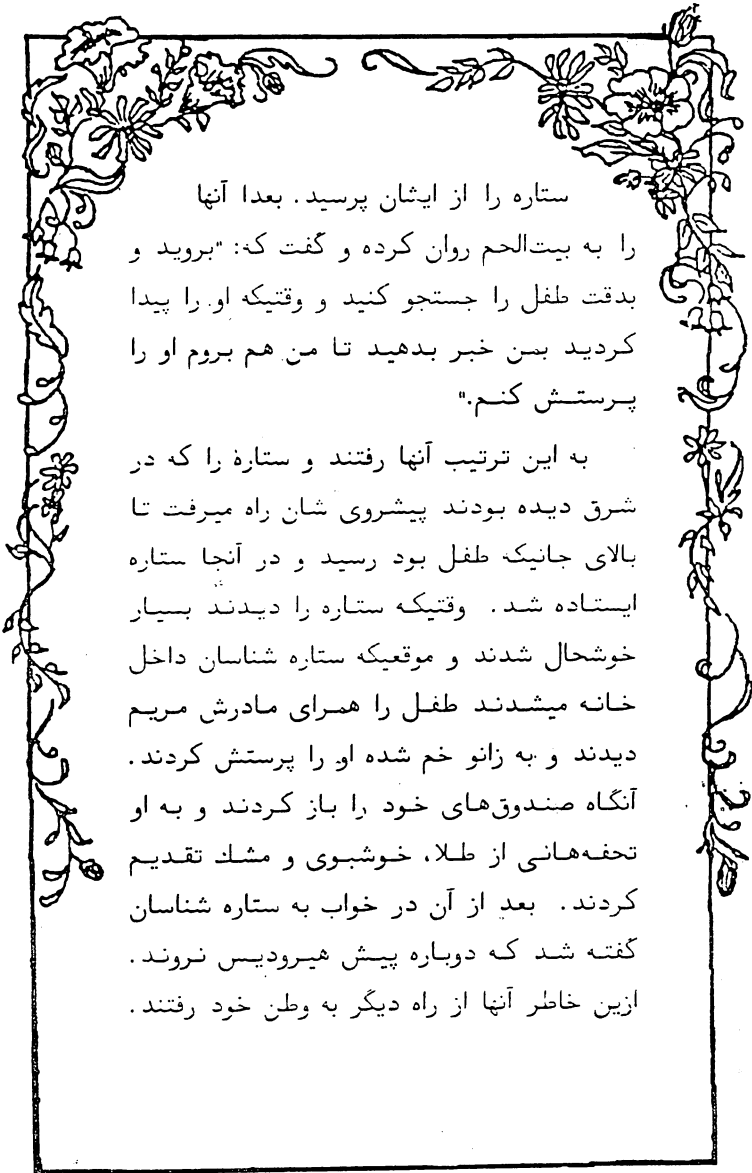
بعد از آن هیرودیس ستاره‌شناسان را طور خصوصی پیش خود خواست و وقت دقیق ظهور

A decorative border of black line art featuring various flowers, leaves, and swirling vines. It frames the text on the left, right, and top edges of the page.

wise men who had studied the stars came from the east to Jerusalem and asked: "Where is the baby born to be the king of the Jews? We saw his star in the east and we have come to worship him."

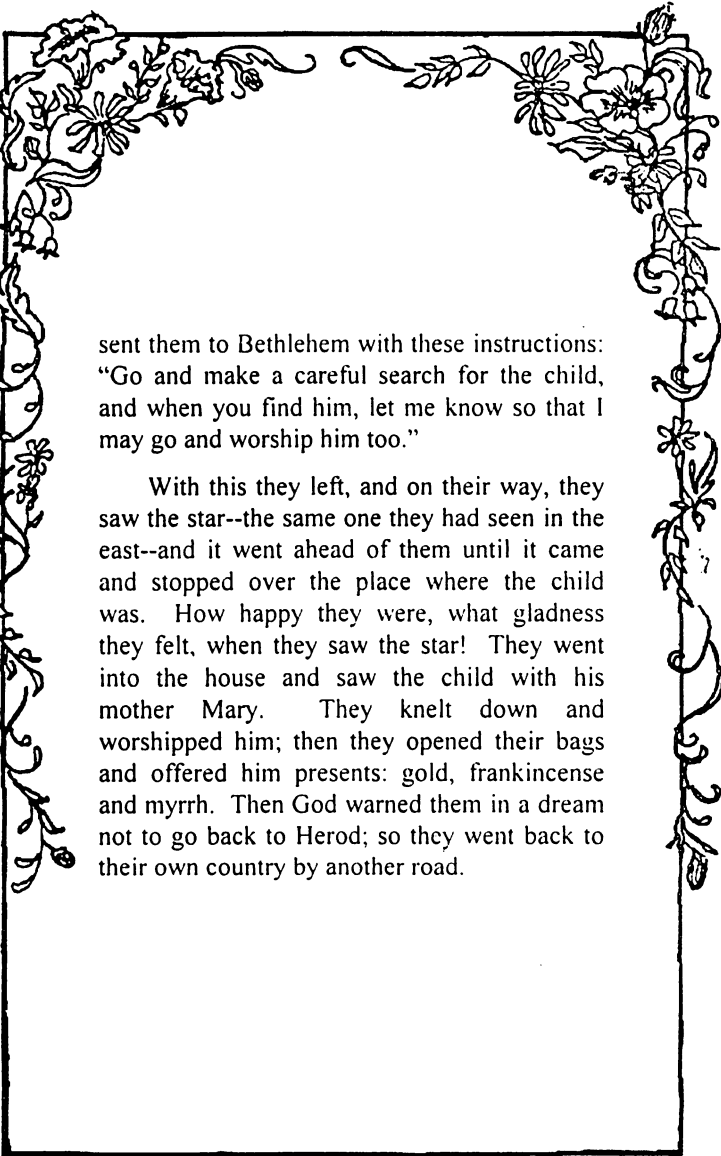
When King Herod heard this he was very upset and so was everybody else in Jerusalem. He called together all the chief priests and teachers of the Law, and asked them: "Where will the Messiah be born?" In the town of Bethlehem in Judea," they answered. "This is what the prophet wrote: You, Bethlehem, in the Land of Judea, are not by any means the least among the rulers of Judea; for from you will come a leader who will guide my people Israel."

So Herod called the visitors from the east to a secret meeting, and found out from them the exact time the star had appeared. Then he

A decorative border of stylized flowers and vines surrounds the text. The flowers are simple line drawings, and the vines are swirling and leafy.

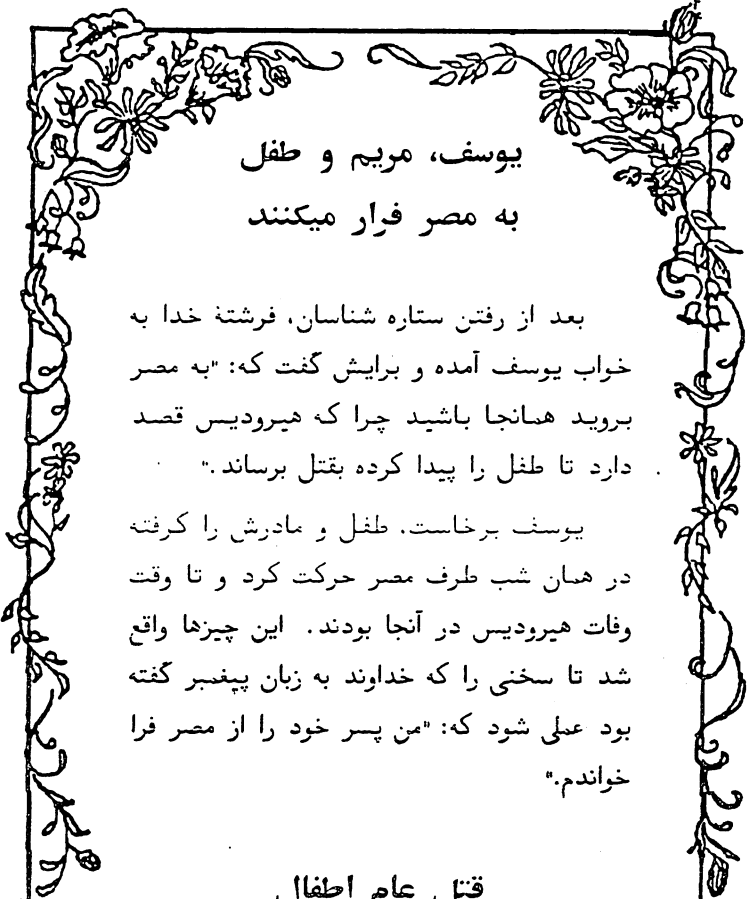
ستاره را از ایشان پرسید. بعدا آنها
را به بیت‌الحم روان کرده و گفت که: "بروید و
بدقت طفل را جستجو کنید و وقتی که او را پیدا
کردید بمن خبر بدهید تا من هم بروم او را
پرستش کنم."

به این ترتیب آنها رفتند و ستاره را که در
شرق دیده بودند پیشروی شان راه میرفت تا
بالای جانیک طفل بود رسید و در آنجا ستاره
ایستاده شد. وقتی که ستاره را دیدند بسیار
خوشحال شدند و موقعی که ستاره شناسان داخل
خانه میشدند طفل را همراهی مادرش مریم
دیدند و به زانو خم شده او را پرستش کردند.
آنگاه صندوق‌های خود را باز کردند و به او
تحفه‌هایی از طلا، خوشبوی و مشک تقدیم
کردند. بعد از آن در خواب به ستاره شناسان
گفته شد که دوباره پیش هیرو دیس نروند.
ازین خاطر آنها از راه دیگر به وطن خود رفتند.



sent them to Bethlehem with these instructions: "Go and make a careful search for the child, and when you find him, let me know so that I may go and worship him too."

With this they left, and on their way, they saw the star--the same one they had seen in the east--and it went ahead of them until it came and stopped over the place where the child was. How happy they were, what gladness they felt, when they saw the star! They went into the house and saw the child with his mother Mary. They knelt down and worshipped him; then they opened their bags and offered him presents: gold, frankincense and myrrh. Then God warned them in a dream not to go back to Herod; so they went back to their own country by another road.



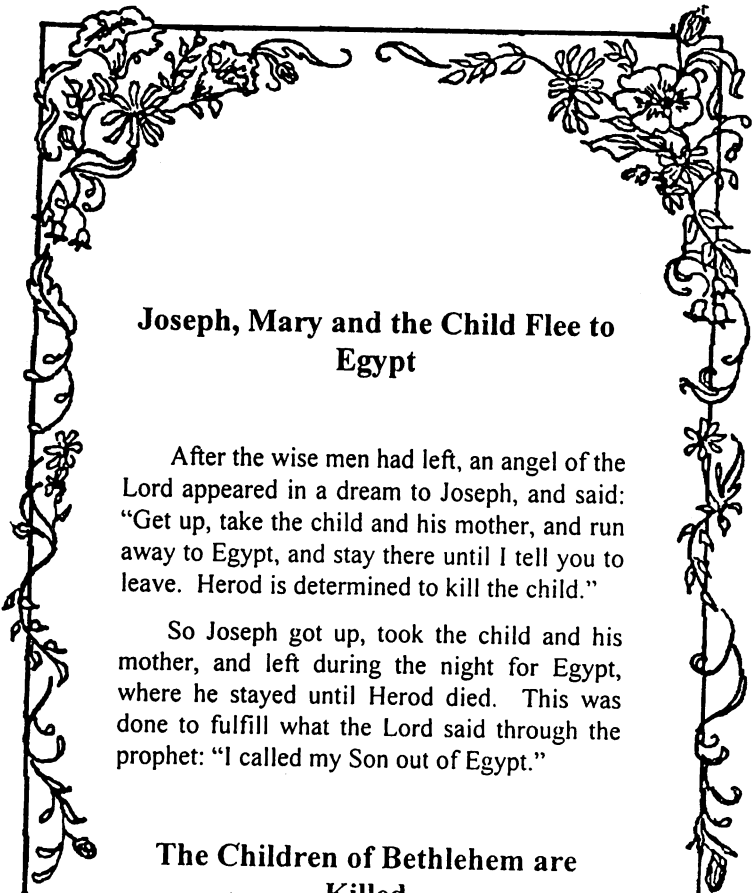
یوسف، مریم و طفل به مصر فرار میکنند

بعد از رفتن ستاره شناسان، فرشته خدا به خواب یوسف آمده و برایش گفت که: "به مصر بروید همانجا باشید چرا که هیروдіس قصد دارد تا طفل را پیدا کرده بقتل برساند."

یوسف برخاست، طفل و مادرش را گرفته در همان شب طرف مصر حرکت کرد و تا وقت وفات هیروдіس در آنجا بودند. این چیزها واقع شد تا سخنی را که خداوند به زبان پیغمبر گفته بود عملی شود که: "من پسر خود را از مصر فرا خواندم."

قتل عام اطفال

وقتیکه هیروдіس متوجه شد که ستاره شناسان او را فریب داده اند، بسیار غضبناک شده و فرمان قتل عام پسران دو ساله و کمتر از

A decorative border of black line art featuring various flowers, leaves, and scrolling vines, framing the text on the page.

Joseph, Mary and the Child Flee to Egypt

After the wise men had left, an angel of the Lord appeared in a dream to Joseph, and said: "Get up, take the child and his mother, and run away to Egypt, and stay there until I tell you to leave. Herod is determined to kill the child."

So Joseph got up, took the child and his mother, and left during the night for Egypt, where he stayed until Herod died. This was done to fulfill what the Lord said through the prophet: "I called my Son out of Egypt."

The Children of Bethlehem are Killed

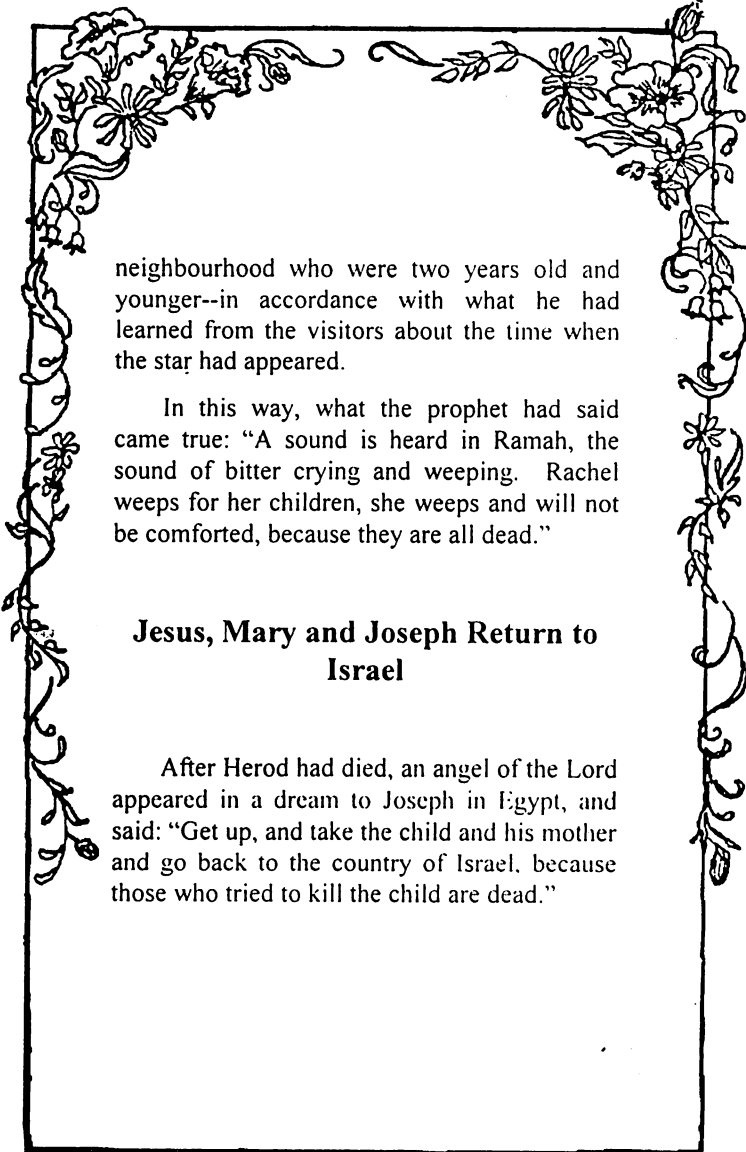
When Herod realised that the wise men had tricked him he was furious. He gave orders to kill all the boys in Bethlehem and its

آن را در بیت‌الحم و تمام اطراف آن مطابق
تاریخی ایکه از ستاره شناسان جویا شده بود
صادر کرد و این کار را از روی معلوماتیکه از
ستاره شناسان راجع به وقت ظهور ستاره دقیقاً
گرفته بود عملی کرد.

و به این ترتیب کلماتی ایکه به وسیله ارمیا
پیامبر بیان شده بود به حقیقت پیوست: "آوازی
از رامه شنیده شد، صدای گریه‌ای نالان و زار
زار بلند شد، راحیل برای فرزندان خود گریه
میکرد تسلی نمیشد زیرا آنها از بین رفته بودند."

یوسف، مریم و عیسی به اسرائیل پس میروند

بعد از مرگ هیرودیس، فرشته خدا در مصر
به خواب یوسف آمده و برایش گفت: "بر خیز،
طفل و مادرش را بگیر و به ملک اسرائیل برو،
چرا که کسیکه کوشش داشت طفل را بکشد،
مرده است." یوسف برخاست، طفل و مادرش

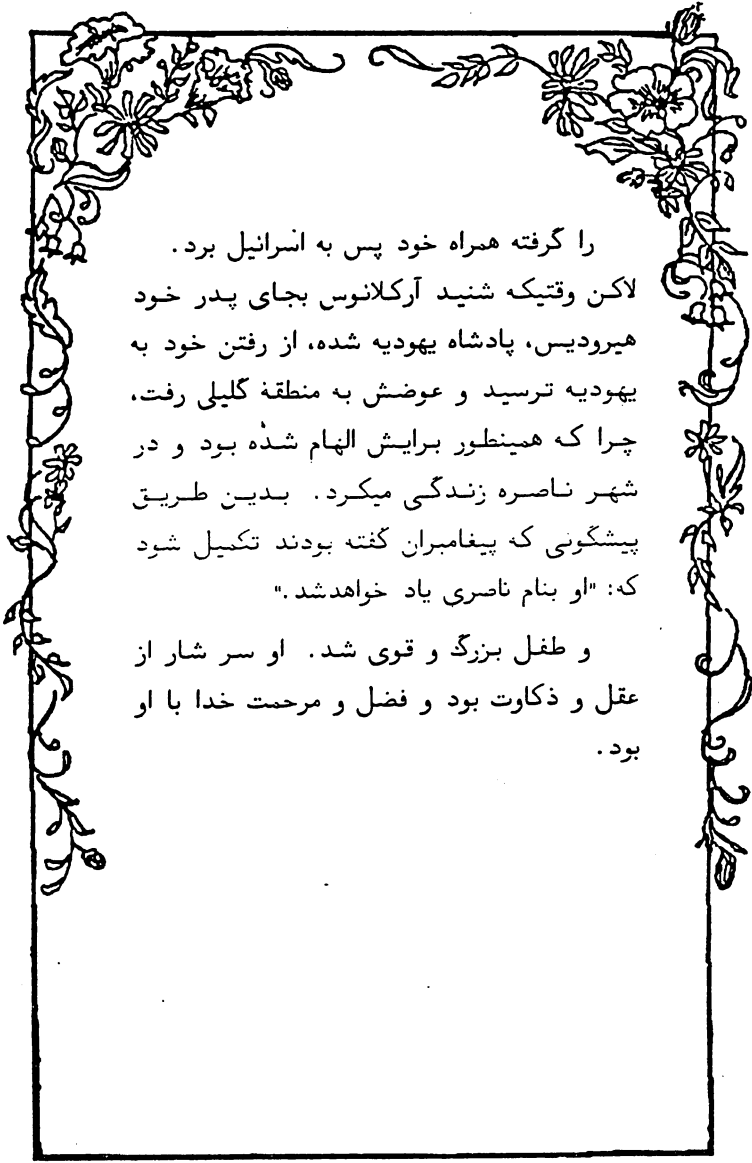


neighbourhood who were two years old and younger--in accordance with what he had learned from the visitors about the time when the star had appeared.

In this way, what the prophet had said came true: "A sound is heard in Ramah, the sound of bitter crying and weeping. Rachel weeps for her children, she weeps and will not be comforted, because they are all dead."

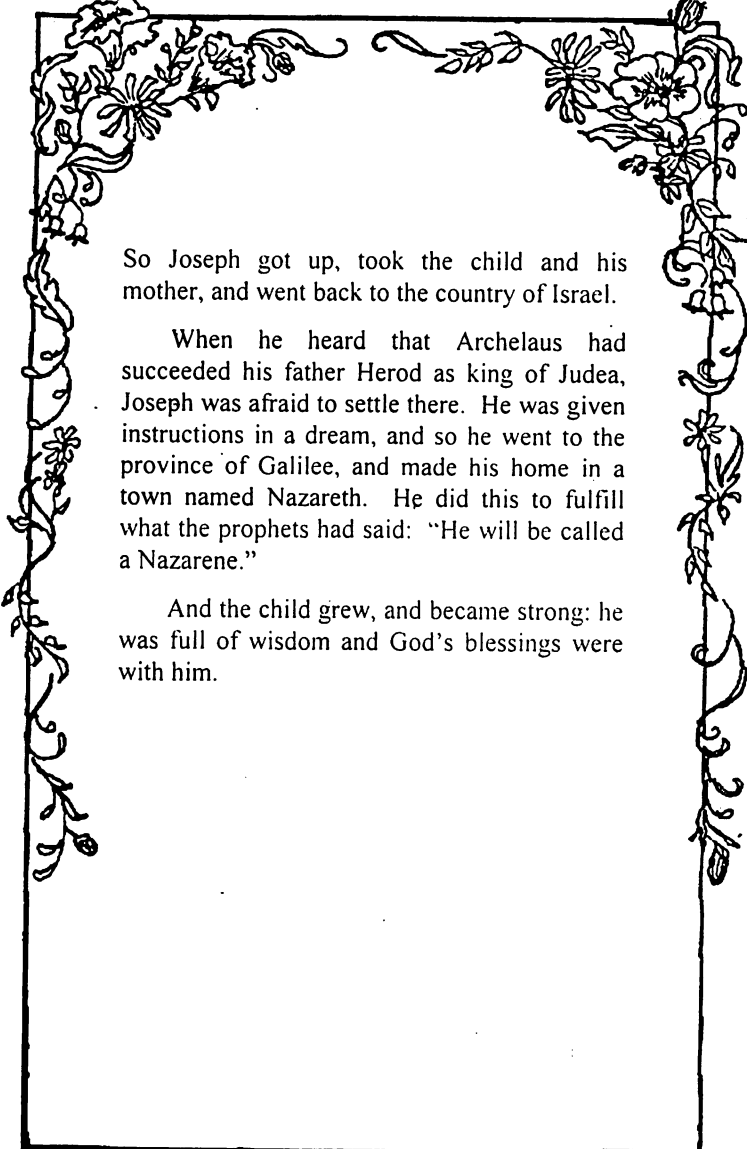
Jesus, Mary and Joseph Return to Israel

After Herod had died, an angel of the Lord appeared in a dream to Joseph in Egypt, and said: "Get up, and take the child and his mother and go back to the country of Israel, because those who tried to kill the child are dead."

A decorative border with floral and vine motifs surrounds the text.

را گرفته همراه خود پس به اسرانیل برد.
لاکن وقتی که شنید آرکلانوس بجای پدر خود
هیرودیس، پادشاه یهودیه شده، از رفتن خود به
یهودیه ترسید و عوضش به منطقه گلیلی رفت،
چرا که همینطور برایش الهام شده بود و در
شهر ناصره زندگی میکرد. بدین طریق
پیشگونی که پیغامبران گفته بودند تکمیل شود
که: "او بنام ناصری یاد خواهد شد."

و طفل بزرگ و قوی شد. او سرشار از
عقل و ذکاوت بود و فضل و مرحمت خدا با او
بود.

A decorative border of stylized vines and flowers surrounds the text. The vines are thin and winding, with small leaves and clusters of flowers. The flowers are simple, with five petals and a central dot. The border is located on the left, right, and top edges of the page.

So Joseph got up, took the child and his mother, and went back to the country of Israel.

When he heard that Archelaus had succeeded his father Herod as king of Judea, Joseph was afraid to settle there. He was given instructions in a dream, and so he went to the province of Galilee, and made his home in a town named Nazareth. He did this to fulfill what the prophets had said: "He will be called a Nazarene."

And the child grew, and became strong: he was full of wisdom and God's blessings were with him.

شکر گذاری

خدایا! ترا شکر میکنم که عیسی مسیح را
برای نجات جهان فرستادی.

نجات‌دهنده ما آن کسی است که می‌فرماید:
"ای تمامی زحمتکشان و گرانباران، نزد من
بیانید و من به شما آرامی خواهم داد. یوغ مرا
بر خود گیرید و از من تعلیم یابید، زیرا من
نرمدل و بی‌کبر هستم و جانهای شما آرامی
خواهد یافت، زیرا یوغ من خفیف و بار من سبک
است."

(انجیل متی ۲۸: ۱۱)

شما میتوانید که قصه زنده‌گی عیسی مسیح را
در انجیل شریف مطالعه کنید.

A decorative border of black line art flowers and vines surrounds the text. The flowers are stylized with multiple petals, and the vines are swirling and leafy.

Praise

Thank you God for sending Jesus Christ to be the Saviour of the world.

Our Saviour is the one who says: "Come to me, all you who are weary and burdened, and I will give you rest. Take my yoke upon you and learn from me, for I am gentle and humble in heart, and you will find rest for your souls. For my yoke is easy and my burden is light".

(Matthew 11:28-30).

You will find the full story of Jesus Christ in the New Testament.

Published by Roshan Books

GOOD NEWS

**The Christmas Story
in Dari and English**

2000



GOOD NEWS

The Christmas Story